



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

پایمیراکرم (ص):
کسی که مالی را از غیر حلال به دست آورد
آن مال او را به سوی آتش کشاند.



الاختصاص: ۲۴۹۰

اجرای آثار نوستالژیک
«مجید انتظامی» برای پایتخت نشینان

مجید انتظامی با اجرای آثار نام آشنای خود هفتم و هشتم آبان‌ماه در تهران روی صحنه می‌رود. انتظامی با انتشار پستی در فضای مجازی از برگزاری این کنسرت خبر داده که در توضیح آن آمده: «آثاری که در این کنسرت اجرا خواهند شد عبارتند از: کلاه پهلوی، از کرخه تا راین، آژانس شیشه‌ای، بوی پیراهن یوسف، دیوانه‌ای از قفس پرید، گانی مانگا، مردان آنجلس، دوئل ناصرالدین شاه، آکتور سینما، عقاب‌ها، زال و سیمرغ، بچه‌های کوه‌آلب، ترن، گرگ‌ها و خرمشهر». **ایستا**



بازگشت «پرستو گلستانی» به صحنه نمایش

نمایش «زمین‌ما» به نویسندگی و کارگردانی پرستو گلستانی، از فردا -یکشنبه ۳ آبان- در تالار هنر روی صحنه می‌رود. این نمایش با نگاهی شاد، تأمل‌برانگیز و امیدبخش، سرنوشت کره زمین و نقش انسان‌ها در حفاظت از آن را به تصویر می‌کشد؛ روایتی که در آن کودکان با همدلی، مهربانی و همراهی یکدیگر تلاش می‌کنند زمین را از بی‌توجهی بزرگ‌ترها نجات دهند و پیام صلح و دوستی را در همه‌جا گسترش دهند. **امهر**



اظهارنظر جالب «رضا بابک» درباره «سیروس ابراهیم‌زاده»

سیروس ابراهیم‌زاده، بزرگ، چندوجهی، شریف و آدم بود. یعنی همان‌گونه که «برشت» می‌گوید «آدم آدم است». این خود سیروس بود و اگر گرمی‌ورها کمک کنند دوست دارم حتی اگر قصه کوتاهی هم باشد، نقش سیروس را بازی کنم. البته برای ایفای نقش سیروس ابراهیم‌زاده باید چندوجهی بود تا بتوان زوایای مختلف این بازیگر را خلق کرد؛ با آن بیان شیرین و صورت خندانش. **ایرنا**



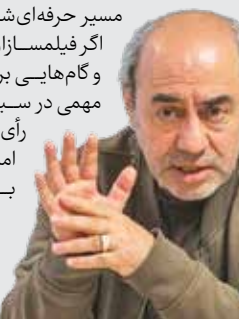
ایران

تشویق فیلمسازان جوان

به ایده‌های تازه در حوزه سینمای دفاع مقدس

ورود به عرصه تولید آثار سینمایی در حوزه‌های راهبردی، دفاع مقدس و مقاومت کار ساده‌ای نیست و فیلمسازان و فعالان جوان در صنوف مختلف سینما باید توانایی‌ها و استعداد‌های خود را بشناسند و متناسب با آن، مسیر حرفه‌ای‌شان را انتخاب کنند. اگر فیلمسازان جوان ایده‌های تازه خود را دنبال کنند و گام‌هایی بردارند که مختص خودشان باشد، اتفاق مهمی در سینما رخ خواهد داد. استقلال نگاه، اندیشه و رأی فیلمساز در ساخت اثر اهمیت زیادی دارد. امیدوارم این مسیر را ادامه دهند و در آینده به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا کنند.

گزیده‌ای از صحبت‌های کمال تبریزی
کارگردان سینما / **مهر**



نقل قول

نگاه اجراکنندگان و تماشاگران، دوباره معنا می‌یابد. با این حال، دوری درباره نحوه تحقق این ایده، به تماشای اجرا و بررسی کیفیت پرداخت نمایشی آن نیاز دارد.

سنگلج و اهمیت فضای اجرا

یکی از ویژگی‌های قابل توجه «مجلسی شبیه به شبیه‌خوانی»، استقرار جایگاه تماشاگران روی صحنه تماشاخانه سنگلج است. این چیدمان باعث می‌شود هر نوبت اجرا تنها میزبان ۵۰ تماشاگر باشد. محدود بودن ظرفیت، در کنار نزدیکی فیزیکی مخاطب به فضای بازی، می‌تواند تجربه‌ای متفاوت از تماشای تئاتر ایجاد کند و امکان توجه بیشتر به جزئیات بازی، صدا و واکنش‌های متقابل را فراهم آورد. سنگلج نیز به عنوان یکی از مکان‌های شناخته شده تئاتر ایران، بستر معناداری برای میزبانی اثری با موضوع شبیه‌خوانی است. قرار گرفتن یک تجربه نمایشی معاصر در چنین فضایی، پیوند میان تاریخ تئاتر و جریان‌های تازه‌تر اجرا را برجسته می‌کند.

دو تجربه و یک مسأله مشترک

اهمیت همزمانی این دو اجرا را باید در فرصتی جست‌وجو کرد که برای بررسی شیوه‌های متفاوت مواجهه با میراث نمایشی ایران فراهم می‌کنند. «نقطه عطف، صفر چهار» بر بازگشت و بازنگری در یک اثر تأکید دارد؛ «مجلسی شبیه به شبیه‌خوانی» نیز دگرگونی یک مجلس آیینی را به بخشی از روایت خود تبدیل می‌کند. در هر دو تجربه، مسأله اصلی تنها حفظ شکل‌های گذشته نیست، بلکه یافتن راهی برای زنده نگه داشتن آنها در مواجهه با مخاطب امروز است. تئاتر آیینی زمانی می‌تواند ضروری مؤثر در فضای فرهنگی معاصر داشته باشد که با احترام به ریشه‌های خود، امکان پرسشگری، تجربه‌ورزی و تفسیر تازه را نیز فراهم کند. از این منظر، این دو نمایش را می‌توان بخشی از تلاش گسترده‌تر برای ایجاد گفت‌وگو میان سنت و نوآوری دانست؛ گفت‌وگویی که نتیجه آن، نه صرفاً بازتولید گذشته، بلکه بازشناسی ظرفیت‌های آن برای زندگی فرهنگی امروز خواهد بود.

پیوند خورده است؛ موسیقی دان برجسته بلوچ و نوازنده ساز سرود (قیچک) که در سال ۱۳۹۵ بر اثر سکته قلبی درگذشت. علی محمد بلوچ از چهره‌های مهم موسیقی این منطقه بود و با شاعران برجسته بلوچستان، از جمله ملا کمال‌خان و لعل‌بخش پیک، همکاری داشت. «شمشوک» از درگذشت او و دیگر عزیزانش با اندوه یاد می‌کند و می‌گوید پس از مرگ علی محمد، بسیاری تصور کردند که او نیز دیگر فعالیتی نخواهد داشت. فقدان همسر و فرزندانش، زندگی او را دشوار کرده است؛ با این حال، هنوز او موسیقی دل نکنده است.

هنرمندی با آرزوهای برآورده‌نشده

«شمشوک» در سال‌های فعالیت هنری خود برای حفظ و انتقال موسیقی زنان و کودکان بلوچ تلاش کرده است؛ با این حال، امروز از شرایط دشوار زندگی و نبود حمایت کافی گلیه دارد و می‌گوید با وجود سال‌ها فعالیت در عرصه موسیقی، به لحاظ مالی روزگار سختی را می‌گذراند؛ «شرایط زندگی خوبی ندارم. با این سن و سال، نه خانه‌ای دارم و نه حتی یخچال؛ در کبر زندگی می‌کنم». این هنرمند پیشکسوت با اشاره به مشکلات معیشتی و نداشتن شناسنامه برای برخی از اعضای خانواده‌اش، از بی‌پاسخ ماندن درخواست‌هایش ابراز ناراحتی کرده و اظهار می‌کند: «عمرم را در موسیقی گذاشتم، اما به خواسته‌هایم نرسیدم. آرزوهای زیادی دارم، ولی احساس می‌کنم به بسیاری از آنها نخواهم رسید». داستان شمشوک تنها روایت زندگی یک خواننده محلی نیست؛ روایت زنی است که در برابر مشکلات ایستاد تا نغمه‌های مادرانه و آوازهای کهن بلوچستان خاموش نشوند. صدایی که میراثی ارزشمند را حفظ کرده، اما خود همچنان چشم‌انتظار توجه و حمایت است.

مسیر بازآفرینی و اصلاح مداوم باشد. در تئاتر، بازگشت یک نمایش صرفاً به معنای تکرار تجربه‌ای موفق یا احیای خاطرات اجرای پیشین نیست. بازنگری در ساختار، هنگامی که با شناخت دقیق نیازهای مخاطب و ظرفیت‌های اجرایی همراه باشد، می‌تواند به فرصتی برای کشف لایه‌های تازه یک روایت تبدیل شود. از این منظر، عنوان «نقطه عطف، صفر چهار» و تأکید بر ادامه یافتن روایت، مخاطب را به این پرسش دعوت می‌کند که چگونه می‌توان یک داستان را در بستر زمان حفظ کرد و در عین حال، آن را با شرایط و دریافت‌های تازه هماهنگ ساخت.

«مجلسی شبیه به شبیه‌خوانی»؛ مواجهه با سنت از مسیر دگرگونی

در سوی دیگر، نمایش «مجلسی شبیه به شبیه‌خوانی»، تازه‌ترین اثر محمد احمدی، از سوم آبان‌ماه اجرای خود را در تماشاخانه سنگلج آغاز می‌کند و آیین شب‌چراغ این نمایش ساعت ۱۹ برگزار می‌شود. اجرای اصلی نمایش نیز ساعت ۱۹:۳۰ روی صحنه می‌رود. بر اساس خلاصه داستان منتشرشده، پسر حسین شمر تصمیم می‌گیرد در دارالمعاجین مجلسی شبیه اجرا کند؛ اما اتفاقاتی رخ می‌دهد که او را به سفری در زمان می‌کشاند و خوانش او از مجلس دستخوش دگرگونی می‌شود. در نهایت، خود مجلس نیز تغییر می‌کند. این خلاصه داستان، مهم‌ترین ظرفیت تحلیلی نمایش را آشکار می‌کند؛ مواجهه با یک سنت نمایشی از طریق تغییر و بازخوانی آن.

شبیه‌خوانی، به عنوان یکی از صورت‌های شناخته شده نمایش آیینی در ایران، بر بازنمایی رویدادهای تاریخی و مذهبی، استفاده از قراردادهای اجرایی مشخص و ارتباط مستقیم با مخاطب استوار است. تبدیل این سنت به موضوع یک نمایش معاصر، امکان طرح پرسش‌هایی درباره نسبت گذشته و حال، جایگاه رآی و چگونگی انتقال روایت‌های تاریخی را فراهم می‌آورد. سفر در زمان و دگرگونی خوانش شخصیت اصلی می‌تواند به ابزاری دراماتیک برای نشان دادن این نکته تبدیل شود که سنت‌ها در هر دوره، متناسب با موقعیت اجتماعی و



اجرای نمایش

آیینی «نقطه

عطف، صفر

چهار» در تالار

اندیشه حوزه

هنری انقلاب

اسلامی و

آغاز اجرای

«مجلسی

شبیه به

شبیه‌خوانی»

در تماشاخانه

سنگلج، دو

رویداد قابل

توجه در

عرصه تئاتر

ایران هستند

که بار دیگر

ظرفیت‌های

هنرهای

نمایشی-

آیینی را به

مرکز توجه

می‌آورند



به مناسبت ایام فاطمیه؛ نقطه عطف، صفر چهار

و مجلسی شبیه به شبیه‌خوانی روی صحنه رفتند

تئاتر آیینی در مسیر بازخوانی سنت

رویداد قابل توجه در عرصه تئاتر ایران هستند که بار دیگر ظرفیت‌های هنرهای نمایشی-آیینی را به مرکز توجه می‌آورند. این دو اثر، با وجود تفاوت در شیوه اجرا و فضای نمایشی، از منظر مشترک اهمیت دارند. هر دو به شکلی با میراث نمایشی و فرهنگی ایران ارتباط برقرار می‌کنند و امکان بازاندیشی در شیوه روایت و بازنمایی سنت‌های گذشته را پیش روی مخاطب قرار می‌دهند.

«نقطه عطف، صفر چهار»؛

بازگشت یک روایت با ساختاری تازه

نمایش آیینی «نقطه عطف، صفر چهار» به کارگردانی و اجرای گروه فرهنگی هنری نیوا، از یکم تا دهم آبان‌ماه هر شب در دو نوبت ساعت ۱۸:۳۰ و ۲۱ در تالار اندیشه حوزه هنری انقلاب اسلامی روی صحنه می‌رود. نکته مهم درباره این اثر، بازگشت آن با بازنگری در ساختار و ارائه نسخه‌ای تازه‌تر و به‌روزتر است؛ رویکردی که می‌تواند نشان‌دهنده تلاش گروه اجرایی برای حفظ پیوند مخاطب با یک اثر نمایشی از

رویداد قابل توجه در عرصه تئاتر ایران هستند که بار دیگر ظرفیت‌های هنرهای نمایشی-آیینی را به مرکز توجه می‌آورند. این دو اثر، با وجود تفاوت در شیوه اجرا و فضای نمایشی، از منظر مشترک اهمیت دارند.

هر دو به شکلی با میراث نمایشی و فرهنگی ایران ارتباط برقرار می‌کنند و امکان بازاندیشی در شیوه روایت و بازنمایی سنت‌های گذشته را پیش روی مخاطب قرار می‌دهند.

شمسی به‌روزی در گفت‌وگو با «ایران» از شرایط موسیقی بانوان در جنوبی‌ترین نقطه ایران می‌گوید

شمشوک؛ صدایی ماندگار در موسیقی زنان بلوچ

با این حال، به موسیقی علاقه داشتم و آن را رها نکردم.» او که در تهران، زاهدان و جشنواره‌های مختلف موسیقی اجرا داشته، می‌گوید که دعوت‌هایی برای اجرای خارج از کشور دریافت کرده، اما به دلیل ترس از سفر هوایی نتوانسته است در آنها شرکت کند. با این حال، هنوز هم آرزو دارد روزی بتواند در خارج از ایران به اجرای موسیقی بپردازد.

این هنرمند درباره وضعیت امروز موسیقی زنان بلوچ معتقد است که شمار خوانندگان زن در این منطقه محدود است و آنها از حمایت کافی برخوردار نیستند. او در این‌باره می‌گوید: «در بلوچستان چهار خواننده زن نداشتیم؛ یکی در قنوج، یکی در چاپهار، یکی در نیک‌شهر و دیگری در زرگس». «شمشوک» همچنین از کاهش شمار شاگردان جوان و کم‌رنگ شدن حضور سازهای سنتی در مراسم‌های سنتی گلیه دارد؛ «در گذشته با علی محمد بلوچ در مراسم‌های سنتی می‌خواندم، اما حالا شرایط تغییر کرده و سازهایی مانند ارگ جای صدای ما را گرفته‌اند.»

دلتنگی برای

علی محمد بلوچ

بخش مهمی

از زندگی

هنری «شمشوک»

علی محمد بلوچ،

معروف به «علیک»،

در کنار فقدان عزیزانش، سال‌های پائینی فعالیت هنری او را با تلخی همراه کرده است.

گفت و گو

آغاز آواز از نوجوانی

شمسی به‌روزی در گفت‌وگو با «ایران» درباره آغاز فعالیت هنری خود می‌گوید: «با ۱۳ ساله بودم که به دلیل علاقه زیاد به موسیقی، به‌طور جدی آواز را شروع کردم. در آن دوران با علی محمد بلوچ، نوازنده قیچک، همکاری داشتم. اکنون ۶۵ سال دارم و در گذشته شاگردانی داشتم که بعضی از آنها هنوز هم کم‌وبیش نزد من می‌آیند.» او درباره گونه‌های موسیقی بلوچی که اجرا می‌کند، توضیح می‌دهد: «ملودی‌های مختلف بلوچی، از جمله لیکو، ژهریرگ و نازینک را می‌خوانم. نازینک بیشتر در مراسم عروسی اجرا می‌شود و ژهریرگ نیز حال‌وهوای سوزناک و لالایی‌گونه دارد؛ آن را برای کودکانی می‌خواند که به خواب نمی‌روند.» به گفته این هنرمند، هر منطقه بلوچستان لالایی‌های مخصوص خود را دارد و تفاوت گویش‌ها نیز به این نغمه‌ها رنگ و بوی ویژه‌ای می‌بخشد. او معتقد است جوانان همچنان به لالایی‌های بلوچی علاقه دارند، اما محدودیت‌های خانوادگی و اجتماعی، فرصت اجرای آنها را از بسیاری از زنان گرفته است.

موسیقی زنان بلوچ؛ میراثی کم‌حمایت

«شمشوک» با اشاره به دشواری‌هایی که در مسیر فعالیت هنری خود تجربه کرده است، می‌گوید: «مادرم و بعضی از بستگانم با آواز خواندن من مخالف بودند. پیش از انقلاب در مراسم عروسی می‌خواندم.

«شمسی به‌روزی»، معروف به «شمشوک»، از زنان تأثیرگذار موسیقی محلی بلوچستان است؛ هنرمندی که از نوجوانی آواز بلوچی را آغاز کرد و طی سال‌ها تلاش، به حفظ و انتقال نغمه‌های کهن این منطقه، از جمله لالایی‌های مادرانه و آوازهای ژهریرگ، پرداخت. صدای او سال‌ها در مراسم سنتی بلوچ، طنین‌انداز بوده و بخشی از حافظه فرهنگی مردم جنوب بلوچستان را شکل داده است. «شمشوک» از معدود زنان آوازخوان بلوچستان است که در سال ۱۴۰۰ درجه یک هنری دریافت کرد و در سال ۱۴۰۳، سبک «لالایی مادرانه» او به عنوان اثری از میراث فرهنگی ناملموس ایران به ثبت ملی رسید. همچنین دو آلبوم با صدای او در حوزه موسیقی زنان و موسیقی کودک بلوچ ثبت و ضبط شده است. در چهل‌ویکمین جشنواره موسیقی فجر نیز این هنرمند پیشکسوت تجلیل شد.

با وجود شهرت آثار «شمشوک» در بخش‌هایی از خارج از ایران، او معتقد است موسیقی زنان بلوچ در سرزمین خود چندان که باید مورد توجه قرار نگرفته است. این هنرمند که در منطقه دشتیاری زندگی می‌کند، همچنان با دشواری‌های معیشتی و کمبود حمایت روبه‌روست؛ وضعیتی که